

غایت ابداع

منشآت عربی افضل الدین بدیل بن علی خاقانی شروانی

(متوفی ۵۸۱ق)

مقدمه، تصحیح و تعلیقات:

محمد رضا ترکی



نشر خانقوش



نشر خاموش

غایت ابداع	نام کتاب:
منشآت عربی افضل الدین بدیل بن علی خاقانی ثروانی	
محمدرضا ترکی	مقدمه، تصحیح و تعلیقات:
دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران	
علیرضا فتاح، آرش پورا کبر	همکاران بخش تصحیح:
مجید شمس الدین	طرح جلد و صفحه آرایی:
نقطه	چاپ و صحافی:
اول ۱۳۹۸ / ۳۰۰ نسخه	چاپ / شمارگان:
۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۲-۱۳-۳	شابک:
۳۹۰۰۰ تومان	قیمت:

تمامی حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamooshpub.com | @khamooshpubch | www.khamooshpub.ir

تهران، ولنجک، خیابان گلستان سوم، پلاک ۳، همکف

هرگونه کپی برداری، برداشت و اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر،
منوط به اجازه کتبی ناشری باشد

مرکز بخش: بخش ققنوس، میدان انقلاب، خیابان منبری جاوید (اردیبهشت)، بن بست مبین، شماره ۴

تلفن: ۶۶۴۰۸۶۴۰ / ۶۶۴۶۰۰۹۹

مرکز بخش: بخش چشمه: بلوار دماوند، بعد از سه راه تهران پارس بلوار اتحاد، اتحاد ۱۱، پلاک ۸

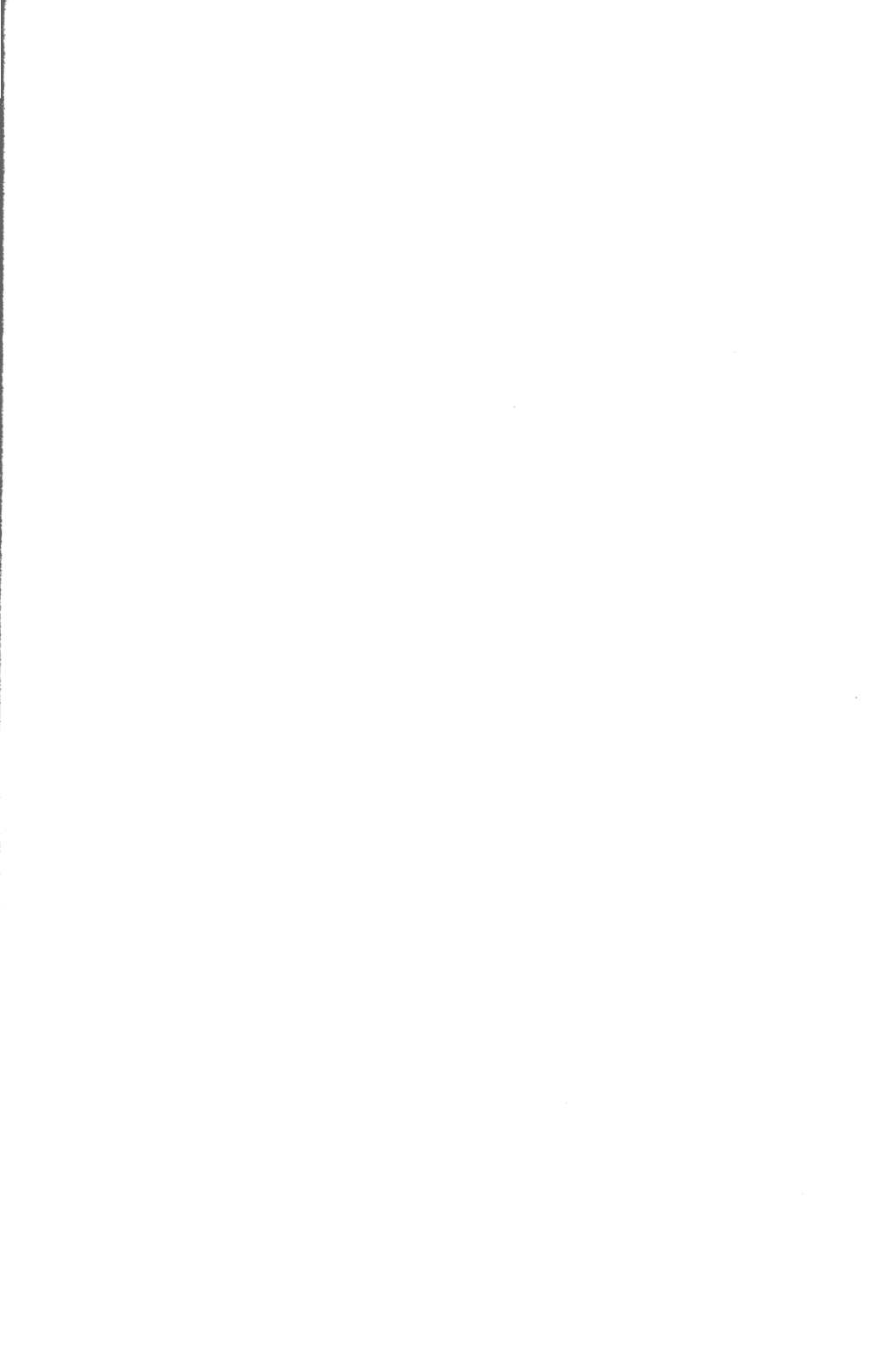
تلفن: ۷۷۷۸۸۵۰۲ / ۷۷۱۴۴۸۰۸ / ۷۷۱۴۴۸۲۱

فروشگاه: کتابفروشی توس، خیابان انقلاب، نیش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸

تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷

خاقانی (منشآت، ص ۱۷۶) دربارهٔ این مکتوبات تازی
خویش گفته است:

هر عالم محقق و منصف مدقق که عُدَّتِ اختراع
مبانی فکر و قوَّتِ افتراع معانی بکر دارد، چون
تأمل شافی و نظر مُحدِّق در این ترتیب‌های
معجزمزاج و اغلوطه‌های سحرآمیز کند، داند که
این غایت ابداع است در صُوَرِ عبارت‌نگاشتن و
ارواح معانی را زنده‌داشتن.



فهرست

۹.....	مقدمه
۱۱.....	سخن نخست
۱۴.....	منشآت نویسی
۲۹.....	منشآت عربی خاقانی
۷۷.....	متن نامه ها
۱۱۵.....	تعلیقات
۱۱۶.....	تعلیقات نامه اول
۱۵۵.....	تعلیقات نامه دوم
۱۸۳.....	منابع
۱۸۹.....	نمایه ها



مقدمه

سخن نخست

زبان عربی در تمدن اسلامی و ایرانی بیش از آنکه زبان یک قوم باشد، زبان علم و فرهنگ مشترک مسلمانان، اعم از خراسانی و عراقی و شامی و ...، از شرق تا غرب عالم اسلام، بوده است. در این میان دانشمندان و ادیبان و شاعران ایرانی بسیاری از آثار خویش را به این زبان آفریده و بخش‌های بسیار مهمی از فرهنگ و تاریخ و دانش و تمدن و هنر خود را به این زبان به حافظة روزگار سپرده‌اند. به این دلیل، آشنایی جدی با فرهنگ و تاریخ ایران، جز از ره‌گذر این زبان و آثاری که ایرانیان و دیگران به این زبان به وجود آورده‌اند ممکن نیست.

خاقانی شروانی، سخنور بزرگ قرن ششم، از کسانی است که افزون بر هنر نظم در دوزبان شاعری آن روزگار، یعنی عربی و فارسی، در نثر فارسی و عربی نیز صاحب شیوه و سبکی متمایز بوده است. تمامی ویژگی‌های نثر مصنوع و فنی را در حد کمال در نوشته‌های منثور او می‌توان دید.

پیش از این به همت بزرگانی از محققان معاصر بخشی از منشآت فارسی او تصحیح و چاپ شده است، اما از نمونه‌های نثر عربی او، جز آنچه در فقراتی از منشآت فارسی او یا در مقدمه برخی از قصاید عربی او آمده (خاقانی، دیوان، ص ۹۴۸-۹۴۹ و ۹۵۶) چیزی منتشر نشده است. انتشار نمونه‌هایی از منشآت عربی خاقانی که اکنون برای نخستین بار صورت می‌گیرد، علاوه بر نشان دادن

چیرگی خاقانی بر زبان و نثر فنی عربی و ارائه یکی از نمونه‌های نثرنویسی عالی ایرانیان به این زبان، بیانگر نکات و حقایق تاریخی و اجتماعی متعددی، از جمله در مورد زندگی و شخصیت دو مخاطب کمابیش گم‌نام، اما مهم این نامه‌هاست. در نامه نخست آگاهی‌هایی ارزشمند در زمینه زندگی و شخصیت قطب‌الدین ابهری، عارف آذربایجانی این روزگار و مخاطب مکتوب اول، وجود دارد که بخشی از ابهامات در باب او را رفع می‌کند. مضمون نامه دوم، یگانه‌گزارشی است که از اوحدالدین غزنوی، شاعر و مترجم چندزبانه و خوش‌نویس قرن ششم در دست‌رس داریم.

اطلاعاتی درباره محیط اجتماعی آذربایجان در قرن ششم و صنعت کاغذسازی در ایران آن روزگار و نکات ارزشمندی در باره خود شاعر؛ به‌ویژه مذهب فقهی و سال وفات او... از دریافت‌های ارزشمندی است که به برکت این دو مکتوب برای نخستین بار در این جا مورد بررسی قرار خواهد گرفت. رفع ابهام از هویت مؤیدالدین، فرزند بزرگ خاقانی، آشنایی با چهارده‌بیت عربی و سه‌بیت فارسی از سخن‌دان شروان که در جای دیگری نیامده و تنها در این متن دیده می‌شود، اشاره به چند ضرب‌المثل کهن فارسی و عربی و تصحیح عباراتی از منشآت فارسی خاقانی به کمک این متن و اطلاعاتی در باره اقوام و زبان‌های رایج آن روزگار که اینک چه بسا از یادها رفته‌اند، از جمله غوریان و زبان و نسب آن‌ها و زابلی‌ها و خلیج‌ها و زبان و نسبشان و دقایق ادبی و لغوی بسیار... از جمله نکات ارزشمند و فراوانی است که در مقدمه و تعلیقات کتاب به قسمتی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

این دو نامه، به‌ویژه از لحاظ شناخت نثر عربی خاقانی و نوع منشآت قرن ششم و روشن‌کردن زوایایی از تاریخ آذربایجان و تصوّف این منطقه، دارای کمال اهمّیت هستند. در حاشیه نسخه‌های خطی نامه‌ها پاره‌ای نکات و واژگان توضیح داده شده که ما همه آن‌ها را، احیاناً همراه با نقد و تأملاتی، در پانویس صفحات آورده‌ایم. این ویژگی نشان می‌دهد که متن این نامه‌ها برای تدریس هم به کار می‌رفته است. طبعاً در روزگار ما نیز این نامه‌ها را می‌توان به عنوان نمونه‌های عالی نثر عربی ایرانیان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی زبان و ادبیات

فارسی و زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌ها مورد مطالعه و تحقیق و تدریس قرار داد. یقیناً آموزش عربی و قواعد آن از رهگذر متون زیبا و معتبری از این دست که به قلم سخنوران بزرگ زبان فارسی آفریده شده و هر کلمه آن با کلیت متون کهن فارسی و عربی در رابطه است، فواید و برکات بیشتری برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در بردارد و آنان را از ملالت دست و پنجه نرم کردن با عباراتی که ارتباط چندانی با متون گذشته ما ندارد، می‌رهاند.

امیدواریم تصحیح و انتشار این دو مکتوب عربی مکمل شایسته‌ای باشد برای تلاش استادانی که در عرصه معرفی و تصحیح و شرح و نقد آثار خاقانی کوشیده‌اند و این پژوهش نکات تازه‌ای را فراروی اهل تحقیق قرار دهد.

لازم می‌دانم از راهنمایی‌های استادان گرامی، جناب آقای دکتر محمود عابدی و جناب آقای دکتر مسعود جعفری جزوی و دوست بافضیلتم جناب آقای سهیل یاری که متن را بزرگوارانه قبل از انتشار دیدند و نکات ارزشمندی را یادآور شدند، صمیمانه تشکر کنم. همچنین از دقت‌ها و نکته‌بینی‌های دانشجویان فاضلم در دانشگاه تهران که در طی دو سال تحصیلی متن رسایل خاقانی را با آنان مرور کردم سپاسگزاری کنم. اگر نکته‌بینی‌های آنان نبود، دقایق و مشکلاتی از این متن ناگشوده می‌ماند. دو دانشجوی فاضل دوره دکتری یعنی آقایان علی‌رضا فتاح و آرش پورا کبر که در تهیه نسخه خطی و بازنویسی متن از زحمات آنان بهره‌مند بوده‌ام، شایسته سپاس ویژه‌اند. از استاد فاضل گرامی جناب آقای جويا جهان‌بخش نیز که با در اختیار نهادن تصویری باکیفیت از نسخه کتاب‌خانه سلیمانیه ترکیه بر من منت نهادند بسیار ممنونم. اگر زحمات دوست فرهیخته و هنرمندم، جناب آقای مجید شمس‌الدین، مدیر محترم نشر خاموش نیز نبود، این اثر با این آراستگی در اختیار اهل فضل قرار نمی‌گرفت. برای همه این عزیزان در انجام دادن خدمات علمی و فرهنگی آرزوی توفیق فراوان دارم.

محمد رضا ترکی

پاییز ۱۳۹۸